

آیا آنارشی بی نظمی
و
آنارشیسم هرج و مرج طلبی است؟
ن. تیف

اصول پایه‌ای
فدراسیون آنارشیست در فرانسه
ترجمه از
ن. تیف

فروردین ۱۳۹۲ - آوریل ۲۰۱۳

آیا آنارشی بی‌نظمی و آنارشیزم

هرج و مرج طلبی است؟

در جنبش چپ ایران همواره دو از سه گرایش آن که سوسیال – دمکراسی و مارکسیسم هستند حضور داشته و دارند، اما در خانواده ی چپ گرایش دیگری هست که آنارشیزم نام دارد. آنارشیزم ها اختلافات ژرفی با سوسیال – دمکرات ها یا سوسیالیست های اصلاح طلب دارند، اما آنان با کمونیست های مستبد، یعنی مارکسیست – لنینیست ها و تروتسکیست ها و مائویست ها نیز به همان اندازه تفاوت دارند. نقطه ی مشترک سوسیال – دمکرات ها و کمونیست های مستبد همانا دولت گرایی آنان است که موجب شکستشان در مبارزه و تلاش برای استقرار آن چه آنان سوسیالیسم می نامند، شده است. اکنون سال هاست که سوسیال – دمکرات ها چارچوب نظم سرمایه داری را به عنوان تنها نظم برتر و ممکن پذیرفته اند و مدعی اند که می توانند آن را با اصلاحات بهبود بخشند. اما کارنامه ی دولت های سوسیال – دمکراتی که به ویژه در اروپا

در مسند قدرت هستند یا بودند، نشان می دهد که آنان در نئولیبرالیسم حاکم حل شدند و با اندکی تفاوت با لیبرال ها، در سیاست های اجرائی، به رتق و فتق امور سرمایه داری می پردازند. کمونیست های مستبد هر چند با نظم سرمایه داری موافق نیستند، اما هر جا که دولت را به دست گرفتند، سرمایه داری دولتی را با سرکوب، کشتار و یک کلام، زور و ستم به ویژه به خود طبقه ی کارگر برقرار نمودند و نامش را دیکتاتوری پرولتاریا گذاشتند. آنان برای رسیدن به اهداف خود، احزاب کمونیستی فوق العاده تمرکزگرای را پی ریزی نمودند که خودخوانده پیشروی طبقه ی کارگر نامیده می شدند. آنارشیست ها با هر نوعی از دیکتاتوری و از جمله دیکتاتوری پرولتاریا مخالف اند. آنارشیست ها برقراری آزادی – بی هر گونه پیشوند و پسوندی – و جامعه ی کمونیستی لیبرترین را بدون هر گونه دولت و دینی تصور می کنند. آنارشیست ها خود را پیشروی هیچ طبقه ای نمی دانند، برعکس آنان می گویند که نظرات و اعمالشان در برخورد توده ای و جنبش های اجتماعی محک می خورد و اگر کارآیی داشتند پی گیری و تحکیم می گردند، وگرنه تغییر می کنند یا اصلاً کنار گذاشته می شوند. مارکسیست ها خود را در قید و بندهای

"ایسم" ها محبوس نموده اند و به همین خاطر نتوانستند و نخواهند توانست با حفظ "مارکسیسم - لنینیسم" و دیگر ایسم ها، تغییری در برنامه ها و سیاست هایشان ایجاد نمایند. این در حالی ست که جهان مدام تغییر می کند و دشمنان طبقاتی زحمتکشان هر روز سیاست ها و تاکتیک هایشان را متحول می نمایند و با ترفندهای جدیدی به استثمار دامن می زنند و دستاوردهای کارگری را بازپس می گیرند. آنارشیست ها با روحیه ای باز به جهان می نگرند. به همین خاطر آنارشیستی پیدا نمی شود که مثلاً بگوید پرودونیست، باکونینیست یا کروپوتکینیست است، هر چند باکونین، پرودون و کروپوتکین همچنان جزو مهم ترین نظریه پردازان آنارشیست هستند.

تجربه و آماج احزاب و سازمان های سوسیالیستی و کمونیستی در دست کم یک صد و پنجاه سال گذشته و دولت هایی که سوسیال - دمکرات ها و مارکسیست ها به دست داشته و دارند، نشان می دهند که آزادی و پایان استثمار و ستم های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با رفرم (سوسیال - دمکراسی) یا استبداد (مارکسیسم - لنینیسم) امکان پذیر نیست. آنارشیست ها مردم را به طرد و نفی احزاب و سازمان هایی دعوت می کنند که بوروکراتیک، سلسله مراتبی و دارای

مرکزیت هستند. آنارشیکست ها مخالف حزب و سازمان هایی هستند که یا مانند تشکلات بورژوازی دارای خبرگانی در رهبری هستند یا مانند تشکلات مارکسیستی با همان شیوه ی تمرکز گرا و نام کمیته مرکزی و به اصطلاح سانتالیسم دمکراتیک، زنجیری به پای افراد عضو می شوند و سدی در برابر شکوفایی استعدادها و توانایی های اعضا ایجاد می کنند. آنارشیکست ها در برابر احزاب لیبرال، سوسیال - دمکرات و مارکسیست - لینینیست تشکلات فدرالیستی بدون رهبری مرکزی را پیشنهاد می کنند. تشکلات فدرالیستی که کاملاً افقی هستند، فعال حرفه ای ندارند، چرا که فعالان حرفه ای از هر گرایشی که باشند شتابان به بوروکرات هایی تبدیل می شوند که حاضر نیستند امتیازات حزبی را رها کنند و اگر آرمان هایی هم داشته باشند آن را فدای جایگاه خود در حزب و سازمان سیاسی اشان می نمایند و نهایتاً به خدمتگذاران سرمایه داری خصوصی یا دولتی یا هر دو تبدیل می گردند.

آنارشیکست ها مخالف نژادپرستی، ملی گرایی، جنسیت گرایی و آلودگی محیط زیست هستند. آنان صلح طلب و ضدجنگ هستند و جهانی می خواهند که در آن آزادی بدون طبقات وجود دارد. آنارشیکست ها در اعتراضات ضدنژادپرستی و ضد خشونت

علیه زنان شرکت می کنند و علیه سلاح های اتمی و هر نوع سلاح کشتار جمعی دیگری فعالانه مبارزه می کنند. آنارشیست ها ضمن مبارزه فعال برای محیط زیست، سیمای دروغین احزاب و تشکلات اکولوژیستی را که در دولت ها حضور دارند افشاء می کنند. نمی توان از ساختاری به نام دولت دفاع کرد و در آن وزیر و نماینده داشت و هم زمان مدعی شد برای حفظ محیط زیست تلاش می شود. علت ساده است، این فقط سودپرستی بی اندازه ی نظم سرمایه داری ست که موجب تخریب هر چه بیش تر محیط زیست شده است و دولت ها و وزرای عضو آن ها به عنوان نمایندگان سرمایه داران مسئولیت آن را به دوش دارند.

در چند سال اخیر با گسترش آگاهی های سیاسی در ایران، آنارشیسم در میان جوانان، زنان و کارگران به تدریج رواج یافته و محبوبیت کسب کرده است. جوانه های آنارشی در این کشور که زیر سیطره ی یک دیکتاتوری سرمایه داری دینی به سر می برد، رشد می کنند. نظرات آنارشیستی در ایران در حالی رشد می کنند که تشکلات سنتی چپ، چه سوسیال - دمکرات و چه مارکسیستی، توان خود را برای سازماندهی جهت مبارزه از دست داده اند. هر چند سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی علیه

هر صدای مخالفی و از جمله این تشکلات در کم بُرد شدن صدایشان بی تأثیر نبوده است، اما ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیکی تشکلات سوسیال - دمکرات و مارکسیستی را در سراسر جهان نباید از نظر دور داشت.

آنارشی دارای یک پروژه ی آزادی خواهانه و برابری طلبانه برای جامعه های مختلف و از جمله ایران است و فقط با آگاهی و عمل مستقیم در تمام عرصه های زندگی از قبیل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قابل ترویج است و نه روش های سنتی احزاب و سازمان های سانتالیست که عده ای را عضوگیری می کنند و سپس آنان را تبدیل به مهره هایی می نمایند که باید برنامه های حزب و سازمان را تبلیغ نمایند و اگر موقعیتی پیش آمد، قارچ وار گسترش می یابند. در این تشکلات عده ی اندکی رئیس و تعدادی پرشمارتری مرئوس اند، حال فرقی نمی کند که تعدادشان هشت نفر، هشت هزار نفر یا مانند حزب کمونیست چین در حال حاضر هشتاد میلیون نفر باشد. این تشکلات اشتباهات و ورشکستگی خود را با مسئولیت پذیری جمعی لاپوشانی می کنند و ضمن بی احترامی و ناپیوندی به تکثرگرایی درونی، سدی بر شکوفایی استعدادها،

نظرات و اقدامات فردی و مسئولیت پذیری فردی ایجاد می کنند.

یک گروه یا فرد آنارشیست همواره در جامعه و فعالیت های جاری آن در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شرکت می کند و تلاش می نماید که با اندیشه های آنارشیستی روی آن ها تأثیرگذار باشد و اصل اتوریته را درهم شکند و به جایش اصل آزادی را قرار دهد، از همین جاست که آنارشیست ها مخالف هر گونه دولت و دین هستند. عمل مستقیم آنارشیستی به این معناست که نمی توان مثلاً در اروپا و آمریکا یا جای دیگری زندگی کرد و ادعا نمود که می توان آنارشیست ها را در ایران یا نقطه ی دیگری متشکل کرد و برای آنان و مردم نسخه ی مبارزاتی پیچید و بدتر از آن برنامه ای ارائه داد.

این فقط طبقات دارا نیستند که آنارشی را بی نظمی و آنارشیسم را هرج و مرج طلبی می دانند و تبلیغ می کنند، سوسیال - دمکرات ها و همچنین مارکسیست - لنینیست ها هم به مردم راست نمی گویند و برضد آنارشی و آنارشیسم مطالب خلاف واقع فراوانی پخش می کنند.

چند سال پیش فدراسیون آنارشیست در فرانسه نوشته ای را منتشر نمود تا آنارشی و آنارشیسم را به طور خلاصه معرفی

کند. در ابتدای آن آمده است که هر آنارشیستی می تواند برداشت و درک خود را از آنارشی داشته باشد، اما یک رشته پرنسیپ یا اصول آنان را به هم پیوند می دهد که این نوشته، آن ها را برمی شمرد. سپس اصول پایه ای این تشکل و شیوه ی اداره ی فدراسیون آنارشیست آمده است.

با امیدواری به این که آنارشیست ها بتوانند پیرامون اصل "نه خدا، نه رهبر، زنده باد آزادی، زنده باد آنارشی" بیش از پیش گرد هم آیند و نقش فعالی در جنبش رهایی انسان ها چه در ایران و چه در هر نقطه ای که هستند، داشته باشند.

با توجه به سرکوب های دولت های شاهی و شیخی شوربختانه متون آنارشیستی به فارسی بسیار کم هستند، هر چند در سال های اخیر تلاش هایی برای برگردان کتاب ها و نوشتن متن هایی شده است که عمده‌تاً در فضای مجازی پخش می شوند و از استقبال امیدبخشی برخوردار هستند. با امید به گسترش هر چه بیش تر آن ها، نوشته ی زیر به عنوان بهارانه به فارسی زبانان سراسر جهان تقدیم می گردد.

ن. تیف

فروردین ۱۳۹۲ - آوریل ۲۰۱۳

درک اندیشه‌ی لیبرترین

"این آنارشی ست!" کسانی که در قدرت هستند و رسانه ها به فور از واژه ی آنارشی استفاده می کنند تا هرج و مرج اقتصادی، سیاسی و اخلاقی را تعریف نمایند. آن ها استفاده از کلمه ی آنارشی را در این جهت به کار می برند تا القاء نمایند که امارت زیبایی را که مردم منضبط در چند سده زیر رهبری دولت ها در جهان ساخته اند به دستان شیطنانی افتاده است که می خواهند آن را نابود نمایند. اما قضیه کاملاً برعکس است. مگر نه این است که دولت ها جهان را بین خود تقسیم کرده اند و بر آن حکومت می کنند؟ اگر در هیچ زمینه ای هرج و مرجی برقرار نباشد در مسائل اقتصادی بی نظمی فراوانی هست و ما آن را مدیون دولت ها هستیم! چه کسی می تواند بهتر از دولت ها هرج و مرج و وحشت بیش تری از آن چه موجود است را در تمام عرصه های زندگی ایجاد کند؟ آیا باز هم کسانی هستند که در دنیای امروز گمان می کنند که قدرت دولتی یعنی نظم و سازمان؟ بله این اشخاص وجود دارند، اما آنان آنارشیست ها

نیستند، بلکه کسانی هستند که از قدرت تغذیه می کنند. زمان هرج و مرج نهادینه و قدرت برده داری به سر آمده است. امروز کسانی آنارشیسیم را برمی گیرند که واقع گرا هستند و معنی نظم را می دانند. منتقدان آنارشیسیت ها (از فاشیسیت ها گرفته تا مارکسیست ها، بدون فراموش کردن دمکرات ها) می گویند که ما تروریست و آرمان گرایانی هستیم که به اندازه ی یک انقلاب عقب مانده ایم. کسانی هم هستند که خود را مدافع آنارشی می نامند و یک جامعه ی بدون هر گونه مقررات و اصول اخلاقی و محدودیتی را تبلیغ می نمایند که هرکس آن چه می خواهد، می کند. یک شهروند آگاه چگونه می تواند انتخاب خود را برای فردا بین روش های مستبدانه از هر نوع که ورشکستگی خود را در عمل نشان داده اند و روش های پوچ گرایانه رنگارنگ که خواهان هیچ مقررات و محدودیتی با حذف ساده ی نهادهای موجود نیستند، بکند؟

اندیشه ی لیبرترین (یا لیبرتر) یک پروژه ی اجتماعی ست که با استبداد و پوچ گرایی تناقض دارد و می خواهد پاسخی به این پرسش باشد.

پس آنارشی چیست؟

آنارشی یک ملت و در واقع یک گروه اجتماعی ست که بدون دولت زندگی می کند. به جز آنارشیست ها، همه ی فیلسوفان، اخلاق گرایان، جامعه شناسان دمکرات یا سوسیالیست مدعی اند که نبود دولت و قانونی که متضمن سرکوب نباشند موجب گسترش تخلف و بی نظمی و جنایت می گردد. آنارشیست ها می گویند که "آنارشی بالاترین تبلور نظم است."

آنارشی و نظم؟

پایه های نظم ما آنارشیست ها بر روی توافق قرار گرفته است (اصل آزادی علیه اتوریته). تمام نظم های دیگری که جوامع به خود دیده اند - سوسیالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم... - به یک اقلیت ممتاز حق رهبری تمام اعضای جامعه را دادند تا منافع خود را پاسداری نمایند. نام مشترک این نظم ها دولت است. دولت یا حکومت بازتاب سیاسی رژیم اقتصادی ست که

جامعه زیر یوغ آن قرار دارد. دولت سرکوب و استثمار انسان از انسان را توجیه می کند. دولت قدرت فرد را غصب می نماید و چه دیکتاتوری باشد و چه دمکرات (انتخابی) آن را در اختیار سرمایه می گذارد که در نهایت جنبش های اجتماعی را سرکوب می کند تا خود را نجات دهد. دولت که همه جا حضور دارد سرانجام خود را به جای جامعه می گذارد و چنین القاء می نماید که بی آن جامعه از کار می افتد. توهم ناکارایی جامعه بدون دولت تا آن جایی ترویج بیمارگونه می گردد که دولت را به یک گروه اجتماعی سوا تبدیل می کند و آن را از واقعیات زندگی افراد و گروه های اجتماعی دیگر کاملاً جدا می نماید. در این جاست که دولت دیگر نقشی ندارد به جز حفظ نظم با توپخانه ای از قوانین و مقررات سرکوبگرانه در خدمت منافع استثمارکنندگان که می توانند کارفرمایان، سرمایه داران یا اعضای بالای احزاب در کشورهای سابق بلوک شرق باشند.

دولت برای حفظ نظم به نفع استثمارکنندگان رفتارهای تحقیرآمیز و پست کننده دارد و در این راه از دین بهره می گیرد. دین استثمار و سلطه گری را توجیه می نماید و فقط گاهی برضد بازتآب خشن آن ها موضع گیری می کند، بی آن که هرگز به پایه های آن انتقاد نماید و جامعه ای فرای جامعه ی

پدرسالار، محافظه کار، سلسله مراتبی و صدقه ده پیشنهاد کند. آنارشیست ها مخالف این نوع از جامعه هستند که سرکوب گرو استثماریکننده است و فردیت انسان و آرمان های او را نفی می نماید. آنارشیست ها برای جامعه ی برابری تلاش می کنند که مستقیماً و آزادانه با اجزائی که افراد، گروه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند، اداره می شود. آنارشیست ها می گویند که این اجزاء می توانند جامعه را بی دولت و دین در چارچوب فدرالیستی اداره نمایند.

نفی اتوریته (استبداد)

نفی اتوریته یا استبداد با نظرات آنارشیستی آغاز نشد. نفی اتوریته در عمل و رفتار اشخاص یا گروه های اجتماعی پیش از افکار لیبرترین وجود داشته است. کافی ست که فقط به برخی رویدادهای تاریخی نگاهی انداخت: قیام بردگان در رُم باستان، شورش های دهقانی در قرون وسطی، پیدایش رنسانس، فلسفه های عصر روشنگری، انقلاب فرانسه و نزدیک تر از همه ی این ها به ما رویدادهایی از قبیل انقلاب ۱۸۴۸، کمون پاریس، انقلاب روسیه و انقلاب اسپانیا نشانگر مبارزه علیه

اتوریته هستند. انسان ها در طی تمام این رویدادهای کهن و نو تلاش کردند یا از فشار اتوریته بکاهند یا آن را کاملاً نابود بنمایند چرا که خود را در دام آن می دیدند. اگر ما تمام این رویدادها را در زمینه های تاریخی و اجتماعی زایششان بگذاریم، درخواهیم یافت که تمام آن ها هدفی به جز بهتر کردن شرایط زندگی، تقسیم ثروت ها، حق شناخت و آموزش و رفاه و در یک کلام خوشبختی نداشتند. بیش تر این جنبش های شورشی بردگان، دهقانان و کموناردها سرکوب شدند یا یک طبقه مانند بورژوازی نوظهور در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه یا یک گروه مانند حزب بلشویک در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه آن ها را به نفع خود مصادره نمودند. گاهی کسانی مانند پادشاهانی که در عصر روشنگری "خردمند" توصیف می شدند، جنبش های اجتماعی را از اهدافشان دور کردند. علت این است که هر چند این جنبش ها آباستن آزادی بودند، اما به اندازه ی کافی پرقدرت و ساختاریافته نبودند تا نظم موجود را سرنگون نمایند. آن ها از این جنبه یک اتوپی یا مدینه ی فاضله بودند که شهامت کافی را برای گذر به آینده نسبت به زمانی که در آن پدید آمدند، نداشتند.

میراث

اندیشه ی لیبرترین در سده ی نوزدهم میلادی نخست تئوریزه و سپس به اجراء گذاشته شد، البته پیدایش آنارشیسم در آن زمان بی علت نبود. در سده ی نوزدهم ملی گرایی و دولت گرایی نیز پدید آمدند و لذا اندیشه ای لازم بود تا به مبارزه با آن ها برخیزد. توافق بر این است که پی - یو - ژوزف پرودون "پدر" آنارشیسم است. همو بود که نظم اشتراکی و فدرالیستی را تئوریزه نمود و سندیکالیسم کارگری را نوید داد. نفوذ اندیشه های پرودون در جنبش کارگری چنان واقعی بود که در انجمن بین المللی زحمتکشان گرایشی وجود داشت که خود را آشکارا پرودونی مطرح می کرد. اما این کنگره ی سن ایمیه در سال ۱۸۷۲ بود که پایه های آنارشیسم را ایجاد کرد. نمایندگان که در این کنگره شرکت کردند، چنین گفتند: "نابودی هر گونه قدرت سیاسی نخستین وظیفه ی پرولتاریاست." آنان سپس افزودند: "سازماندهی هر گونه قدرت سیاسی به اصطلاح موقت یا انقلابی برای نابودی قدرت سیاسی اشتباهی بیش نخواهد بود

و همان قدر برای پرولتاریا زیان بار خواهد بود که تمام دولت‌هایی که تا امروز وجود داشته‌اند..."

میخائیل باکونین همین نظرات را در انترناسیونال اول مطرح کرد و تا امروز همچنان مطرح هستند. لوئیز میشل در کمون پاریس، کارگران آمریکا در اول ماه مه ۱۸۸۵، فرنان پلوتیه در بورس کار، الیزه رکلو، جغرافی دان و آنارشیست برجسته در توضیحاتی که برای جهان داد، پی یر بنار برای آنارکوسندیکالیسم، پیوتر کروپوتکین برای کمونیسم لیبرترین، پل روبن برای مدرسه لیبرترین در شهر سانپویی فرانسه، ژان گراو و چهل سال فعالیت تبلیغاتی وی برای آنارشیسم، گوستاو لاندوئر که نظامیان خشن در سال ۱۹۱۹ برای مبارزه اش جهت پی ریزی شوراهای کارگری بایرن آلمان تیرباران نمودند، نستور ماخنو و فعالیت هایش برای انقلاب روسیه، نیکولا ساکو و بارتولومئو وانزتی، دو آنارشیست ایتالیایی که در آمریکا برای عقایدشان با صندلی الکتریکی اعدام شدند، اریش موهسام، شاعر و نمایشنامه نویس آلمانی که در یک اردوگاه کار اجباری در سال ۱۹۳۳ کشته شد، بوئنا آوانتورا دوروتی در جنگ اسپانیا، ارمان روبن و زبان های ساده اش از جمله کسانی هستند که حامل نظرات و اندیشه های آنارشیستی بودند. این اندیشه ها

در پایان جنگ جهانی دوم دوباره جان می گیرند و منجر به بنیان گذاری فدراسیون آنارشیست در فرانسه و انترناسیونال آنارشیست ها در جهان می شوند. بازسازی کنفدراسیون ملی کار در فرانسه که یک سندیکای کارگری آنارشیستی ست و پیوستن آن به انجمن بین المللی زحمتکشان از جمله دیگر رویدادهای پس از پایان جنگ جهانی دوم است. آنارشیست ها از آن پس در جنبش هایی همچون مه ۱۹۶۸ و دیگر جنبش های اجتماعی شرکت داشته و دارند.

از آنارشی تا آنارشیزم

آنارشی آن روشی ست که ما برای یک جامعه ی لیبرترین داریم و آنارشیزم آن جنبش اجتماعی ست که برای تحقق اهداف ما جریان دارد. آنارشیزم یک مبارزه ی مداوم علیه تعصبات، تاریک اندیشی ها و اتوریته هاست که شکل های بسیار متفاوتی می گیرد. این مبارزه بر دو محور قرار دارد. یک رشته از حرکات تخریبی هستند و رشته ای دیگر سازنده. فعالیت های تخریبی آنارشیست ها بر ریشه کن کردن عمیق اصل اتوریته در همه ی نمودهایش و افشای آن ها قرار دارد. این فعالیت ها همچنین با

هرگونه ترفندی که بخواهد به نحوی اتورितه ای را در شکل و لباس دیگری زنده یا بازسازی کند به مبارزه برمی خیزند. فعالیت های سازنده ی آنارشیستی به موازات فعالیت های تخریبی صورت می گیرند و تلاش می کنند تا ساختاری فدرالیستی را برای مدیریت مستقیم ایجاد نمایند. اما برای تمام این فعالیت ها ابزاری لازم است که سازماندهی نام دارد...

سازماندهی

سازماندهی با درجه ی آگاهی پیوند دارد. این آگاهی در مباحثات، مناظره ها، برخورد نظرات و فعالیت ها به دست می آید. هر چه قدر که آگاهی بالا باشد همان قدر پویایی یک تشکل هم بالاست. برای این که بتوان به یک سازماندهی قوی و انعطاف پذیر دست یافت که تضادی با روحیه لیبرترین نداشته باشد، باید از پایین به بالا رفت، از یکتایی به تعدد رسید، و از فرد به جمع گذر کرد. ما یک مجموعه از اصول عمومی شامل مفاهیم پایه ای و کاربردهای عملی را بین افراد و گروه ها می پذیریم که فدرالیستی هستند (به "اصول پایه ای" ما نگاه کنید). فدرالیسم به هر کس اجازه می دهد که خودش باقی بماند و زیر بار

تشکیلات له نشود. فدرالیسم اجازه می دهد که افراد خودمختار باشند و این چنین بتوانند بخشی از فعالیت های سازمانی را با دادن نظرات خود انجام دهند. چنین شکلی از سازماندهی به تک تک افرادش اجازه می دهد تا تمام نیرویش را حفظ نماید و بتواند با به اشتراک گذاشتن آن با دیگر نیروها، به بالاترین حد سرزندگی برسد.

فعالیت

فعالیت را نباید با آژیتاسیون یا تحریک هم وزن دانست. یک فعالیت باید دارای هدف در جهت یک انقلاب لیبرترین باشد و به طور ضمنی به یک استراتژی کمک کند. اوضاع اجتماعی گاهی اوقات موقتاً آرام است و گاهی جنب و جوشی پدید می آید. سازماندهی آنارشیستی باید خود را با وضعیت های مختلف وفق دهد. جای فعالان آنارشیست در هر حال در درون مبارزه ی اجتماعی ست که خود در مبارزه ی طبقاتی متبلور می گردد و مبارزات فرمیستی از قبیل مبارزه علیه بیکارسازی، برای افزایش دستمزدها، دفاع از خدمات عمومی و غیره جزوی از این مبارزات هستند. آنارشیست ها در همه ی این مبارزات با

پایبندی به اصول خود که فعالیت ضداستبدادی و عمل مستقیم است شرکت می کنند تا بتوانند به چشم اندازه‌های خود نزدیک گردند. هنگامی که ما آنارشیست ها نظرات و اعمال خود را با نظرات و اعمال توده های مردم روبه رو می کنیم، می توانیم به تدریج آگاهی انقلابی را پدید آوریم.

پیشنهاده‌ها

آنارشیسم یک مجموعه از پیشنهادها و شیوه های عملی ست که به آزادی کامل انسان در جامعه ره می سپارد. اگر جامعه به عنوان یک نهاد اجتماعی وجود دارد، فرد هم به همان اندازه وجود دارد بدون آن که هیچ گونه پیوند سلسله مراتبی با آن داشته باشد. آنارشیست ها در پی آن هستند که بین این دو یک هارمونی ایجاد گردد. آزادی و رهایی دارای سه وجه است. ابتداء رهایی اقتصادی با پس گرفتن مالکیت ابزار تولید از طریق مدیریت مستقیم آن ها توسط خود زحمتکشان و تقسیم برابر ثروت ها، سپس آزادی سیاسی با جایگزین نمودن بوروکراسی دولتی توسط یک سازماندهی فدرالیستی بخش های گوناگون جامعه که از پیوستگی و خودمختاری پاسداری می کند

و سرانجام رهایی فکری از طریق به دست گرفتن نقش اجتماعی که یک فرد دارد توسط خودش و فرستادن هر نوعی از تسلیم گرای، از جمله دین، به موزه ی ترس و وحشت.

جامعه‌ای بی طبقه و بدون دولت، سازماندهی شده توسط زنان و مردان

آنارشیسم طبق تعریف و بر اساس خلق و خویی که دارد علیه هر گونه گردهم آیی نظامی گونه مقاومت می کند. چرا که چنین شیوه ای روحیه فرد را محبوس و زندگی اش را محاصره می نماید. آنارشیسم مخالف قاطع اصل اتوریته در سازماندهی اجتماعی است. به همین علت است که آنارشیسم دارای نوعی تعلیمات دینی برای گسترش خود نیست. سازماندهی آنارشیستی جامعه در اراده ی افراد و گروه های اجتماعی تجلی مستقیم می یابد و نمی تواند با قیم مآبی نهادها و ساختارهایی که دارای اتوریته ای در بالا هستند به اجراء گذاشته شود. سازماندهی آنارشیست جامعه همچنین با نابرابری اقتصادی و اجتماعی قابلیت اجراء ندارد. پایه های اخلاقی و نهادهای فدرالیسم لیبرترین چنین است:

* آزادی به عنوان پایه و اساس،

* برابری اقتصادی و اجتماعی به عنوان ابزار،

* برادری به عنوان هدف.

این تعریف اختلاف ژرفی را که میان فدرالیسم لیبرترین و "فدرالیسم دولتی" وجود دارد، نشان می دهد.

ما با تمام وجودمان خواهان یک جامعه ی فدرالیستی هستیم که بر پایه ی مالکیت جمعی و فردی ابزار تولید و توزیع قرار دارد (به این شرط که برخی نتوانند از کار بقیه زندگی کنند)، در آن کمک های متقابل وجود دارند، کار دستمزدی لغو شده است و استثمار انسان از انسان جایی ندارد.

آنارشისტ های هیچ گونه اعتباری به جایگزینی افراد برای اعمال اتوریته (استبداد) نمی دهند چرا که علل مشابه اثرات یکسان به وجود می آورند. تمام شکل های اتوریته به هم شبیه هستند. اگر امکان داده شود که یک و فقط یکی از آن ها به حیات ادامه دهد، تمام آن ها دوباره تولید می شوند.

به سوی یک جامعه ی لیبرترین

برای این که بتوان یک جامعه ی لیبرترین را مستقر نمود، ابزاری لازم است که با هدف جور باشند. اریکو مالاتستا می گوید: "این ابزار خود نباید مستبدانه باشند و باید مانند اهدافی باشند که ما پیشنهاد می کنیم و با شرایطی که ما در آن مبارزه می کنیم همخوانی داشته باشند. اگر در گزینش ابزار اشتباه نماییم، به هدف ها نخواهیم رسید و برعکس از آن ها دور می شویم، چنان که به نقطه ی مقابل هدف خواهیم رفت و در این صورت این نتیجه ی طبیعی روش هایی ست که انتخاب کردیم."

امکان زندگی در یک جامعه ی برابر که اجزایش (افراد، گروه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومی...) مستقیماً و آزادانه در چارچوب فدرالیستی اداره می کنند، وجود دارد. مقرراتی که در چنین جامعه ای به صورت کتبی یا ضمنی وجود دارند با قراردادهای مشترک، برابر و متقابل به وجود می آیند که هر لحظه می توانند تغییر کنند.

نمایندگی

جامعه ی لیبرترین قطعاً نخواهد توانست بدون کمک متقابل و همکاری داوطلبانه عمل نماید. داشتن نمایندگی مسئولانه اجازه خواهد داد تا در سطح فدرال گفت و گو صورت بگیرد. اما دقت کنید که واژه ها چه باری دارند. برای آنارشیست ها هر نماینده فقط یک حکم مشخص دریافت می کند و مجمعی که او را برگزیده است حق کنترل دائمی کارش را دارد و به ویژه حق دارد که اگر تشخیص داد که او وظیفه اش را انجام نمی دهد در هر لحظه عزلش کند.

آنارشیسم پیشنهادهای همه جانبه ی اجتماعی ست که می خواهد تمدنی واقعاً متفاوت را ترویج نماید.

آنارشیسم اصل آزادی را در برابر اصل اتوریته، کمک متقابل را علیه قانون جنگل و برابری را برضد تبعیض می گذارد.

الیزه رکلو: "تا زمانی که جامعه براساس اتوریته ای اداره می شود، آنارشیست ها در حالت قیام همیشگی علیه آن خواهند بود."

اصول پایه‌ای
فدراسیون آنارشیست
در فرانسه

مقدمه

ما آنارشیست ها که در فدراسیون آنارشیست متشکل شده ایم بر لزوم سازماندهی ویژه آگاه هستیم. ما نظراتمان را تبلیغ می کنیم و می خواهیم یک انقلاب ریشه ای و همه جانبه را انجام دهیم که در آن واحد اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. هدف انقلاب نابودی جامعه هایی ست که بر اساس مالکیت خصوصی یا دولتی وسایل تولید و توزیع پی ریزی شده اند، جامعه هایی که استثمار، ناآگاهی، فقر و درضمن اتوریته جزئی از آن ها هستند.

اهداف ما

ما آنارشیست ها برای یک جامعه ی آزاد بی طبقه و بدون دولت مبارزه می کنیم که اهداف اولیه اش عبارتند از:

* برابری اجتماعی و اقتصادی تمام افراد.

* مالکیت جمعی یا فردی وسایل تولید و توزیع که هر امکانی را برای زندگی برخی با استفاده از کار دیگران برچیده است.

* برابری افراد از بدو تولد برای استفاده از ابزارهایی که به شکوفایی آنان یاری می رسانند، به عبارت دیگر داشتن پرورش و آموزش درهمه ی زمینه های علمی، صنعتی و هنری. سازماندهی اجتماعی باید بر اساس یک فدراسیون آزاد تولیدکنندگان و مصرف کنندگان صورت بگیرد که با اراده ی آنان شکل می گیرد و در هر لحظه تغییرپذیر است.

* اتحاد آزاد افراد بر اساس شایستگی ها و دلبستگی هایی که دارند.

* آزادی مطلق هر فردی در ابراز نظراتش.

* لغو کار دستمزدی، برچیدن تمام نهادهای دولتی و اشکال ستمگری که موجب تداوم استثمار انسان از انسان می گردند. برای این امر باید با تمام دین ها و تصوف ها مبارزه کرد، حتا اگر آن ها خود را پشت علم پنهان می کنند. همچنین باید برضد مبین پرستی مبارزه کرد تا برادری بین گروه های انسانی تحقق یابد و مرزها برچیده گردند.

ما می خواهیم تمام جامعه را بر اساس کمک متقابل بازسازی کنیم. ما جامعه ای می سازیم که برای یک فرد، یک طبقه یا

یک حزب نخواهد بود، برای همه ی افراد خواهد بود. مسائل اجتماعی نمی توانند قاطعانه و واقعاً برای همیشه حل گردند مگر این که در سطح جهانی چنین امری صورت بگیرد.

نقش ما

آنارشیسم یک هدف همه جانبه برای جامعه و یک ایده آل است. وسیله ها برای رسیدن به این هدف بر پایه ی همان اصول سازماندهی جامعه قرار دارد که ایده آل است. این ابزار عبارتند از فدرالیسم و کمک متقابل. آنارشیست ها همچون افرادی که به استثمار آگاه شده اند توافق دارند که با تمام استثمارشوندگان علیه همه ی دولت ها به مبارزه بپردازند. این چنین است که آنارشیست ها به یک مبارزه طبقاتی اعتقاد دارند که پیروزی اش به استقرار یک جامعه ی آنارشیستی می انجامد.

ما باید برای این که طبقات اجتماعی استثمارشده به ظرفیت سیاسی خود و رهایی خود به دست خود پی ببرند تلاش و مبارزه کنیم. این طبقات استثمارشونده هستند که می توانند جامعه ی آنارشیستی را بسازند. استثمارکنندگان هرگز اجازه نخواهند

داد که خلع مالکیت شوند و در این راه از هر گونه نیرویی، حتا خشن، علیه رهایی زحمتکشان استفاده خواهند کرد.

تبلیغ نظرات به تنهایی کافی نیست. باید در تمام مبارزات جاری که مطالباتی را مطرح می کنند و خواهان رهایی هستند شرکت جست و سطح آن ها را بهتر کرد و بالاتر برد تا به وضعیتی رسید که بُرشی صورت بگیرد و رهایی به دست آید.

ما باید دائماً به زحمتکشان و تمام استثمارشدگان بگوییم که میانجی گری ها بر خلاف منافع طبقاتی آنان هستند و فقط عمل مستقیم و هماهنگی آن به شیوه ی فدرالیستی می تواند ثمربخش باشد. زحمتکشان و استثمارشدگان تصمیم عمل مستقیم را بی هیچ واسطه ای می گیرند و آن را اجراء می نمایند.

آنارشیاست ها قاطعانه با هر گونه خودکامگی دشمن هستند و با تمام نظریات استبدادی که از مارکسیسم، روحانیت، سلطنت طلبی، فاشیسم، بورژوازی لیبرال و هر نوع دیگر می آیند، مبارزه می کنند.

انقلاب لزوماً داری یک بخش تخریبی ست که در آن نهادهای سرکوب نابود می گردند و دارای یک بخش سازندگی ست که برای ایجاد جامعه ی نوین است. ما می خواهیم که جامعه ی

نوین را همه اداره نمایند و از همان آغاز روی پایه های
آنارشیستی مستقر گردد.

برای همین است که فدراسیون آنارشیست وسیله ای ست برای
انقلاب و تا رسیدن به اهدافی که توضیح داده شد، وجود
خواهد داشت.

تعهد فعالیت

فدراسیون آنارشیست تشکیلی ست که فعالان آگاه نظری و عملی
به آنارشیسم و دیدگاه های متفاوت آن را گردهم می آورد. این
تشکل بر اساس اصل فدرالیسم آزاد فعالیت می کند که
خودمختاری گروه ها و افراد عضو آن را در چارچوب اصول
پایه ای حفظ می کند. تمام فعالان آنارشیست مسئول پیشبرد
فدراسیون آنارشیست هستند چرا که این تشکل تقسیمات
رهبر - مجری ندارد.

فعالیت مؤثر فعالان در حرکت های جمعی فدراسیون
آنارشیست یک اصل اخلاقی و همبستگی ست که زیانی به اصل
آزادی آنان نمی رساند.

فدرالیسم در فدراسیون آنارشیست اجازه می دهد که تکثرگرایی (پلورالیسم) نظرها و عمل های همخوان با اصول پایه ای آن وجود داشته باشد.

شک نیست که آن چه در بالا آمد فقط خطوط عمده ای هستند که آنارشیست ها دنبال می کنند. لازم است که آنارشیست ها برای تعمیق آن ها نوشته های آنارشیستی را بخوانند و آثار گروه های مختلف آنارشیستی را دنبال نمایند.

اقدامات فدراسیون آنارشیست

اقدامات فدراسیون آنارشیست در دفاع از استثمارشوندگان و مطالبات انقلابی انجام می گیرند. این اقدامات با شناخت از طبقات و موضع گیری های ذهنی که با آنارشی مخالف هستند، صورت می پذیرند.

اقدامات فدراسیون آنارشیست در تمام زمینه های فعالیت انسان ها هستند بدون این که نظرات و امکانات گروه های آنارشیستی عضو فدراسیون فراموش شوند. به همین جهت فدراسیون آنارشیست موارد زیر را به رسمیت می شناسد:

* امکان و لزوم وجود تمام گرایش های لیبرترین در درون فدراسیون آنارشیست.

* خودمختاری هر گروه عضو.

* مسئولیت شخصی و نه جمعی.

* نشریه جنبش که جهان لیبرترین نام دارد نمی تواند فقط ارگان یک گرایش باشد. لذا تمام گرایش های عضو فدراسیون آنارشیست می توانند ارگان های خود را منتشر کنند و مطمئن باشند که جهان لیبرترین موظف به تبلیغ آن ها ست. این نشریه همچنین تمام فعالیت های فرهنگی، تحقیقی، عملی و تبلیغی آنارشیست ها را منعکس می نماید.

* روابط صمیمی و جامع با تمام جنبش هایی که در جهت آنارشی روی یک نقطه ی مشخص کار می کنند.

* منشیان و نمایندگان عزل شدنی در هر لحظه.

سرانجام این که اگر یک گرایش درون فدراسیون آنارشیست اقدامی را آغاز می کند که با اصول پایه ای آنارشیسم ناهمخوانی ندارد، گروه های دیگر می توانند با آن مخالف باشند و در آن شرکت نکنند. گرایش های مخالف در حین اقدام مفروض، دوستانه از انتقاد به آن خودداری می کنند. اما پس از پایان رویداد می توانند تمام انتقادات خود را مطرح نمایند.

گروه های عضو فدراسیون آنارشیست می توانند هر گونه جهت گیری را که انتخاب می کنند داشته باشند: آنارکوسندیکالیسم، کمونیست - آنارشیست، نئومالتوسی، آنارشیست صلح طلب... هر گروهی می تواند همچنین دارای همه ی گرایش ها باشد یا هیچکدامشان را نداشته باشد.

مناطق برای فعالیت می توانند در نظر گرفته شوند به شرطی که گروه های آنارشیست ابتکار آن ها را به دست بگیرند و کمیته ی روابط فقط می تواند در این رابطه پیشنهادهایی بدهد.

سازماندهی

کمیته‌ی ارتباطات

یک کمیته‌ی هماهنگی در فدراسیون آنارشیست وجود دارد که کارش تبادل اطلاعات، پیشنهادهای و نظریاتی است که می‌تواند از یک فرد یا گروه بیایند. رفقای عضو کمیته‌ی ارتباطات هیچ حق دیگری ندارند مگر این که مانند تمام فعالان، اطلاعات، پیشنهادهای و نظریات خود را بدهند.

یگانه استثنائی که بر این اصل هست، ابتکاراتی است که مربوط به پیوستن به یک کنگره، ائتلاف یا کمیته می‌شوند (مثلاً کنگره‌ی آنارشیستی بین‌المللی، نیروهای آزاد صلح).

ناگفته پیداست که شرکت در نشست‌های مختلف نباید تناقضی با ایدئولوژی ما داشته باشد و هر فعالیتی باید فقط دارای یک هدف باشد، برای مثال: مخالفت با جنگ، تلاش برای جلوگیری از اعدام فعالان سیاسی، اعتراض علیه تجاوز به یک ملت.

کمیته‌ی وسیع ارتباطات

کمیته‌ی وسیع ارتباطات با فراخوان منشی عمومی دست کم سه بار در سال تشکیل می‌شود. ابتکار تشکیل جلسه می‌تواند یا از سوی منشی عمومی باشد یا یک کمیته‌ی ارتباطات آن را فراخواند. دستور کار جلسه بر اساس تقاضاهای گروه‌ها، رابطان، افراد یا کمیسیون‌ها تعیین می‌گردد. موضوعات تمام این تقاضاها حیات فدراسیون آنارشیست را دربرمی‌گیرند. کمیته‌ی وسیع ارتباطات می‌تواند برای راه اندازی کارزارهای فدرال تصمیم‌گیری نماید. تصمیم یک کارزار می‌تواند در یک کنگره یا یک کمیته‌ی وسیع ارتباطات گرفته شود. به هر حال تمام اقدامات مربوط به کارزار مربوطه باید در کمیته‌ی وسیع ارتباطات یا بولتن داخلی معرفی گردند.

منشی عمومی

نقش منشی عمومی پخش مراسلات و مسئولیت‌ها در میان اعضای مختلف است. او باید مراقب توافقات کمیته باشد و

تلاش کند تا کنگره آن گونه که باید در زمان تعیین شده و بر اساس فعالیت های رفقای که آن را تدارک می بینند، برگزار گردد.

منشی روابط داخلی

نقش منشی روابط داخلی ایجاد ارتباط بین گروه های عضو فدراسیون آنارشیست با یک دیگر است. او باید مکاتبات هوادارانی را که در مناطق هستند و می خواهند به ما پیوندند در اختیار آن ها بگذارد. منشی روابط داخلی مسئولیت پخش نظرات جالب را که از یک منطقه، یک گروه و یک فرد می آید، برعهده دارد. منشی روابط داخلی همچنین بایستی به اطلاع کل جنبش برساند که چه امکاناتی برای عمل و حرکت موجود است، مثلاً نام کسانی که می توانند سخنرانی تبلیغی بکنند، در مورد چه موضوعاتی می توانند این کار را بکنند و چه امکاناتی برای جابه جایی آنان وجود دارد. منشی روابط داخلی همچنین باید تبلیغات از طریق کارزارهای مختلف را در نظر بگیرد و موضوعات آن ها را که او یا فعالان می توانند پیشنهاد کنند، ارائه دهد. (گروه های آنارشیست عضو فدراسیون که با

تأثیرگذاری کارزارهای تبلیغی اختلاف دارند، می توانند از شرکت در آن ها اجتناب نمایند.) منشی روابط داخلی باید هر جا که می تواند گروه های آنارشیستی جدید ایجاد نماید و با پیوند آن ها به فدراسیون آنارشیست در راه گسترش تشکل گام بردارد. منشی باید در کنگره ترازنامه ای ارائه دهد که نشانگر پیشرفت، رکود یا پسرفت تشکل ما با توجه به گزارش های گروه های عضو باشد.

هنگامی که یک گروه آنارشیستی تشکیل می گردد، منشی روابط داخلی باید مستقیماً با آن تماس حاصل نماید. این تماس را یا خود او می گیرد یا به یک نماینده که شناخته شده است و از نظر جغرافیایی به گروه تازه ایجاد شده دور نیست، محول کند.

ارتباط با گروه تازه ایجاد شده صرف نظر از این که دستاوردی انسانی دارد، برای ایجاد گفت و گویی ست که به هر دو طرف امکان می دهد تا هم اندیشی در اصول پایه ای آنارشیست ها را بررسی نمایند.

منشی روابط خارجی

نقش منشی روابط خارجی ایجاد ارتباط دوستانه با گروه های موازی، هواداران و حتا منفردان است تا فرصتی برای معرفی تشکل و نشریه ما به وجود آید. این ارتباط ها همچنین با این دید صورت می گیرد که فدراسیون آنارشیست بتواند با آن ها حرکت مشترکی برای اهدافی مشخص در چارچوب ائتلاف ها، نهادهای ارتباطی یا یک کارزار لحظه ای و مقطعی داشته باشد. چنین ارتباطاتی به ما اجازه می دهند تا بتوانیم مطبوعات خود را در تجمعات گروه های نامبرده پخش نماییم و آفیش های تبلیغاتی خود را در دفترهای آن ها نصب کنیم، اطلاعیه های خود را توزیع نماییم، مقالات خود را در نشریاتشان چاپ کنیم و در تجمعات آن ها شرکت نماییم. بدیهی ست که تمام این کارها می توانند متقابلاً نیز انجام بگیرند.

منشی روابط بین المللی

منشی روابط بین المللی با تشکلات آنارشیستی که به زبان خارجی سخن می گویند ارتباط برقرار می کند. برای این که از رویدادهای جهانی و اقدامات آنارشیست ها اطلاع حاصل شود و دریافته گردد که آنان چگونه در آن رویدادها شرکت کردند و چه راهی را برای ارتقای آن ها انتخاب نمودند. منشی روابط بین المللی سپس تمام رفقای کشورها را از جو و فعالیت آنارشیستی در جهان مطلع می کند. منشی روابط بین المللی همچنین اطلاعات اصلاحی را بر خبرهای مطبوعات رسمی جمع آوری می نماید. منشی روابط خارجی می تواند صفحات بین المللی نشریه ما، جهان لیبرترین را پربار نماید.

منشی خزانه داری

خزانه دار مستقیماً حق عضویت حداقلی سالانه گروه ها و افراد عضو فدراسیون آنارشیست را دریافت می کند. مبلغ حق عضویت عمداً پایین در نظر گرفته شده است تا همگان بتوانند آن را بپردازند و اگر مایل هستند بیش تر از آن را بدهند. خزانه دار برای احترام به خودمختاری گروه های عضو فدراسیون آنارشیست حق ندارد نام و نشانی های اعضای آن

ها را بداند، اما فقط از تعدادشان اطلاع دارد که برای آن هم به خزانه دار هر گروه اعتماد می کند.

منشی خزانه داری فهرست گروه ها و افراد عضو فدراسیون آنارشیست را به اطلاع منشی بولتن درونی می رساند، بولتنی که فقط به اعضای فدراسیون آنارشیست داده می شود. خزانه دار هزینه های مراسلات و جابه جایی اعضای کمیته را به کنگره بر عهده دارد. خزانه دار همچنین مسئولیت مالی برای عضویت در ائتلاف ها، کمک احتمالی به چاپ یک آفیش، تبلیغ یک کارزار و پشتیبانی را از نشریه فدراسیون آنارشیست دارد.

اداره

مدیران را کنگره برمی گیزند. نقش آنان عبارت از مراقبت از انتشار مرتب نشریه و اجرای کارهای جنبش از جمله کتابفروشی آن و ...

مانند تمام دیگر مسئولانی که کنگره برمی گیزند، مدیران می توانند برای کمک به خود یک یا چندین فعال را منصوب نمایند.

هیئت تحریریه

هیئت تحریریه مسئول تهیه و انتشار منظم نشریه ما یعنی جهان لیبرتارین است. تمام مقالاتی که هیئت تحریریه دریافت می کند در صورت عدم مخالفت اصولی و دقیق یک یا چند عضو، در نشریه منتشر می گردند. مقاله ای که درج نمی شود با استدلال برای عدم درجش به نویسنده بازگردانده می شود. اعضای هیئت تحریریه را کنگره انتخاب و عزل می کند. اما اعضای آن می توانند در طی مدت نمایندگی خود یک یا چند رفیقی را که آن را ترک می کنند به اتفاق آراء با یک یا چند عضو دیگر جایگزین نمایند.

رادیو لیبرتر (لیبرتارین)

منشی رادیو لیبرتر مانند دیگر منشیان در کمیته ی ارتباطات شرکت می کند.

چهارپست برای بهینه سازی کار رادیو وجود دارد:

* منشی برنامه ریزی: او مسئول جدول برنامه ها، جای گذاری آن ها، انتشارشان در نشریه جهان لیبرتر و کیفیت برنامه هاست. او با دبیرخانه های مختلف فدراسیون آنارشیست در ارتباط است تا گردش اخبار و اطلاعیه ها در رادیو تأمین گردد.

* منشی مالی: او مسئول بودجه ی رادیوست و از این اصل که رادیو خودش هزینه هایش را تأمین کند مراقبت می نماید.

* منشی فنی: او مسئول نگهداری از تجهیزات رادیوست و هزینه های آینده را برای آن ها پیش بینی کرده و به اطلاع منشی مالی رادیو می رساند.

* منشی انجمن: او مسئول انجمن "پخش وسایل ارتباط جمعی" ست که از لحاظ قانونی ضامن رادیو لیبرتر است.

منشی تاریخ و بایگانی

وظیفه ی او جمع آوری و بایگانی اسناد مختلف (آفیش ها، جزوه ها، رساله ها، کتاب ها و ...) است که عموماً به جنبش آنارشیستی و خصوصاً به فدراسیون آنارشیست مربوط می گردند تا حافظه ی فعالیت های ما نگهداری گردد. او می تواند برای کمک به خود از فعالان دیگریاری بجوید.

منشی انتشارات

وظیفه ی او تلاش برای چاپ و بازچاپ آثار مهم آنارشیستی و تبلیغ آن هاست. او همچنین باید برای ترویج و پخش انتشارات جهان لیبرتر (ارگان فدراسیون آنارشیست) کوشش کند.

عملکرد کمیته ی ارتباطات

خوانش آن چه در بالا آمد به روشنی نقش وظیفه های مختلف را نشان می دهد. توجه ویژه ای باید به تماس منشیان ارتباطات داخلی با ارتباطات خارجی و خزانه داری نمود که می تواند با عطف به امکاناتی که در اختیار دارد محدوده و تناوب اقداماتی را که می توان انجام داد، مشخص نماید. کمیته ی ارتباطات مرتباً با فراخوان منشی عمومی تشکیل جلسه می دهد.

هر منشی مسئول وظیفه ی خود است و در نتیجه به تنهایی برای آن چه به وی مربوط است تصمیم می گیرد.

البته هیچ کدام از منشیان نمی توانند به دلایل عملی و اخلاقی بدون گفت و گو با دیگران و بدون در نظر گرفتن اعتراضات و مخالفت هایی که می شود دست به تصمیم گیری بزنند.

این چنین است که اگر کاری گروهی انجام می گردد، تصمیم های نهایی آن ها را مسئولان هر وظیفه ای می گیرند که به تنهایی در برابر کنگره پاسخگوی آن چه هستند که به تک تک آنان مربوط بوده است.

هر منشی می تواند برای یاری به وظیفه ای که گرفته است کمیسیونی را با مسئولیت کامل خودش انتخاب نماید.

بولتن داخلی

بولتن داخلی برای مطالب خود و از نظر مالی مستقل از کمیته ی ارتباطات است. کمیته ی ارتباطات دارای هیچگونه حق سانسوری یا حق ممنوع کردن نیست. بولتن داخلی برای تمام اعضاست و هیچ یک از کسانی که آن را منتشر می کنند حق ندارند هیچ سانسوری در آن بکنند.

همه ی مقالات به جز آن هایی که احتمالاً افتراء آمیز هستند در بولتن داخلی درج می شوند.

تمام مقالاتی که هیئت تحریریه ی جهان لیبرتر رد کرده است می توانند با ذکر این موضوع در بولتن داخلی منتشر گردند.

سرانجام این که کمیته ی ارتباطات اعلان های خود را به گروه های عضو فدراسیون آنارشیست، اقدامات و گزارش های عملکرد به هر کنگره را در بولتن داخلی منتشر می نماید.

کنترل متن های گروهی و فردی جایی در بولتن داخلی ندارد. گروهی که بولتن داخلی را اداره می کند باید مانند دیگر گروه ها در انتظار شماره ی بعدی باشد تا بتواند موضعی بگیرد.

اشتراک بولتن داخلی

زمانی که گروه اداره کننده ی بولتن داخلی تقاضایی برای اشتراک آن دریافت می کند، از منشی خزانه داری می خواهد تا صحت عضویت گروه متقاضی را تأیید نماید. همین کنترل برای تعداد اعضای هر گروه صورت می گیرد تا یک گروه تعدادی بیش از تعداد اعضای خود به علاوه ی یک عدد برای بایگانی خود، بولتن داخلی دریافت ننماید.

خزانه داری می بایستی گروه اداره کننده ی بولتن داخلی را از استعفای یک گروه یا افراد مطلع نماید. منشیان گروه ها مستقیماً استعفای افراد عضو خود را اعلام می کنند تا تعداد ارسالی بولتن ها بر طبق آن صورت بگیرد. بولتن داخلی هر ماه منتشر می گردد (مگر این که مقاله ای نرسد).

محل انتشار بولتن داخلی در شهرستان خواهد بود مگر این که چنین امکانی نباشد. هدف این است که از تمرکز کار در پایتخت جلوگیری گردد و این ارگان بتواند از یک خودمختاری کامل برخوردار باشد.

اگر گروه مسئول انتشار بولتن داخلی کارش با شکست مواجه شد، منشی عمومی می تواند یک گروه دیگر را موقتاً به انجام این وظیفه برگمارد.

کنگره

کنگره فقط برای اعضای فدراسیون آنارشیست است (به جز کسانی را کمیته ی ارتباطات دعوت می کند). گروهی که کنگره ی پیشین منصوب نموده است و با منشی عمومی در ارتباط

است مسئولیت برگزاری کنگره را بر عهده دارد. کنگره دارای اهداف زیر است:

* وضعیت اخلاقی و مالی فدراسیون آنارشیست و اقدامات آن را بررسی می کند.

* بحث در مورد پیشنهادها و مطالعاتی که گروه ها، افراد و نهادهای عضو فدراسیون آنارشیست ارائه می کنند تا بتوان خطوط اصلی کارزارهای سال جاری را از آن ها بیرون کشید. کنگره همچنین تصمیم های لازم را برای پیشروی خوب فدراسیون آنارشیست می گیرد.

عضوگیری

عضوگیری در فدراسیون آنارشیست بر دو محور قرار دارد:

* مادی: پرداختن حق عضویت

* اخلاقی: پذیرش بی قید و شرط اصولی که در بیانیه ی حاضر آمده است.

نتیجه این که، اگر گروه یا فردی اصول پایه ای را به صورتی علنی زیر پا بگذارد، عضویتش نیز به صورتی خودبه خودی در فدراسیون آنارشیست فسخ می گردد.

اصول پایه ای نمی توانند تکمیل گردند یا تغییر یابند مگر این که پیشنهاد آن ها چهار ماه پیش از برگزاری کنگره مطرح گردند و کنگره به اتفاق آراء تکمیل یا تغییر را بپذیرد. به هر حال آن چه در مقدمه ی اصول پایه ای آمده است تغییرناپذیر است یعنی این که گروه های عضو فدراسیون آنارشیست همواره باید خودمختاری خود را حفظ نمایند و این فدراسیون همواره باید دارای گرایش های مختلف باشد.

هر عضو فدراسیون آنارشیست می تواند اگر مایل است عضو تشکلات فرهنگی، فلسفی، سندیکایی، صلح طلب یا تفریحی دیگری که انتخاب می کند باشد بدون این که این عضویت ها با آنارشی در تناقض باشند.

اما، به هر حال هر گروهی آزاد است تا کارزارهای مشترکی با تشکلات دیگری که انتخاب می کند، داشته باشد.

هر آن کس که با بیانیه ی اصول پایه ای موافق است می تواند از طریق یک گروه یا فرداً به عضویت فدراسیون آنارشیست درآید. (عضویت فردی به این دلیل پذیرفته می شود که کسی از یک گروه از نظر جغرافیایی دور است یا این که فردی مایل است ایزوله باقی بماند).

فدراسیون آنارشист

متشكل شدن و مبارزه كردن

منبع: <http://www.federation-anarchiste.org>